پرونده ویژه



لزوم بازیابی تشکل‌های مردم نهاد مطابق نیاز هر منطقه

■ امیرنظام فریدونی - باغدار منطقه سروستان و عضو انجمن پسته ایران

کاشت درختان پسته در ابعاد محدود در سروستان سابقه طولانی دارد و هنوز هم تک درختانی از روزگار کهن در گوشه و کنار شهرستان خودنمایی می‌کنند. این درحالی‌است‌که باغ‌ریزی پسته در مساحت‌های وسیع به نیت بهره‌برداری اقتصادی از حدود سه دهه پیش با فعالیت طلایه‌دارانی از استان کرمان که شرایط اقلیمی و اجتماعی این شهرستان را مناسب تشخیص داده‌بودند به‌تدریج رو به افزایش نهاد و کشاورزان بومی نیز با توجه به اُفت کمی و کیفی منابع آب و به ثمر نشستن باغات اولیه، به‌کندی به تغییر الگوی کشت از محصولات پر آب‌بَر و عموماً غیراقتصادی به احداث باغات پسته تمایل نشان دادند.

گرچه در نگاه اول و با مقایسه درآمد و ثروتی که از پسته عاید بهره‌برداران می‌شد، به نسبت سود کشت‌های مرسوم، جای شک و تردیدی باقی نمی‌ماند؛ اما با توجه به زمان انتظار نزدیک به ده سال تا ثمردهی اقتصادی و عدم اشراف فنی در اصول باغ‌ریزی و از دیگر سو ضعف در تأمین هزینه‌های احداث باغ بدون امید به ثمرات اقتصادی آن در کوتاه مدت، این تغییر الگو شتاب چندانی نداشت.

در این شرایط خلاء یک تشکل مردمی در سازماندهی به این وضعیت به‌شدت احساس می‌شد که با همت چندین نفر از کشاورزان، تشکلی به نام «کانون کشاورزان پیشرو سروستان» تأسیس گردید. این کانون با گرد هم آوردن اکثریت بهره‌برداران و سازماندهی آنان در قالب ۲۷ روستای شهرستان و انتخابات شورای مرکزی از بین کشاورزان همان روستا



امیرنظام فریدونی
عضو هیئت امنای انجمن پسته ایران

و تشکیل جلسات منظم هفتگی در روستا و مرکز شهرستان و با همکاری و همدلی مدیران ارشد سازمان جهاد کشاورزی استان و کشور و برگزاری صدها کلاس توانمندسازی که حتی شرح مختصر آن هم در این مقال نمی‌گنجد، شروع به‌کار نمود.

نهایتاً با ابتکارات کانون از جمله متقاعدکردن مدیران ارشد استانی و کشوری در جهت ارائه تسهیلات طرح طوبی به کاشت درختان پسته، متقاعد کردن بانک در ارزیابی منصفانه اراضی جهت ضمانت اخذ تسهیلات و استفاده از ظرفیت اساتید پسته کشور در جهت آموزش بهره‌برداران، اتفاقات بسیار خوبی رقم خورد و سرعت قابل قبولی در جایگزینی الگوی مناسب کشت به‌وجودآمد، به‌طوری‌که در کمتر از یک دهه فعالیت کانون کشاورزان پیشرو سروستان هزاران هکتار باغ با آرایش مناسب کاشت، با استفاده از آبیاری تحت فشار، تسطیح لیزری اراضی، حفر کانال و اضافه کردن مواد آلی قبل از کاشت و ... سیمای کشاورزی شهرستان را به‌کلی تغییر داد. این موفقیت بیش از همه مرهون همت و مدیون تلاش بی‌شائبه خود کشاورزان بوده و هست.

اما در ادامه مسیر، فعالیت کانون متوقف شد. اما تفکر کانونی ادامه یافت و افزایش سطوح باغات همچنان ادامه دارد. شایان ذکر است که به‌منظور پشتیبانی علمی و فنی از باغات موجود و در حال احداث، مراکزی مورد نیاز است و ناگفته پیداست که با توجه به گسترش باغات پسته در کشور و عدم کفایت تنها مرکز تحقیقات پسته در استان کرمان بنا به‌دلایل بُعد مسافت، تفاوت‌های اقلیمی در ایرانِ پهناور و تعداد کارشناسان، ضروری است که در استان‌های پسته‌خیز کشور از جمله فارس، مراکزی غیردولتی توسط تشکل‌های برآمده از دل باغداران و با بهره‌گیری از تجارب نهادهای مردمی مانند انجمن پسته و کمیسیون‌های کشاورزی اتاق‌های بازرگانی و ... پا به‌عرصه گذاشته تا بتوانند باتوجه به تبادلات و تعاملات جدید حاکم در تولید و عرضه پسته به بازارهای جهانی چه از نظر حجم تولید و کیفیت (از جمله باقیمانده سموم و نیترات، افلاتوکسین و ...) حرفی برای گفتن داشته‌باشند. پر واضح است که ایجاد چنین شبکه علمی در مناطق تولید به‌منظور باقی‌ماندن مقتدرانه در بازار جهانی نه در توان دولت‌هاست و نه ورود دولت به صلاح بهره‌برداران. خردمندانه نیست که سرنوشت چندین میلیون نفر را که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از صنعت پسته ارتزاق می‌کنند در اختیار خودشان نباشد.

اگر بتوان این شبکهٔ بخش خصوصیِ علمی، فنی و اقتصادی را مانند یک تور محافظ بر بدنه کلیه فعالان این صنعت پهن کرد، ایشان خواهند توانست با همه متغیرهای اقلیمی، اقتصادی و سیاسی انعطاف لازم را به خرج داده و به حیات خود ادامه‌دهند.

بنده پیر خراباتم که لطفش دائم است ورنه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست

بنابراین و بدون تردید و خصوصاً با عنایت به اینکه همه بزرگان کشور اقرار به این حقیقت دارند که راه طی شده ما را به سر منزل مقصود



نخواهدرسانید و تنها چاره سپردن کار مردم به مردم است، شایسته آن است که تمامی فعالین و تشکل‌های مرتبط صنعت پسته این موضوع را در صدر برنامه‌های خود قرار داده و به‌دنبال یافتن راه‌های رسیدن به این مهم باشند. قطعاً مسیر دشواری پیش روی ماست اما می‌توانیم و اجبار داریم.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل وگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم

و به موازات تلاش برای دستیابی به آن ساختار همه جانبه و تا آن زمان، با همین بضاعت موجود نیز اقدامات و روش‌های موثرتری را بایستی انجام دهیم. متأسفانه علی‌رغم تغییرات شگرف در اقلیم، بازار، سیاست، رقبا و ... عکس‌العمل‌های مناسبی نسبت به محرک‌های خارجی نداریم و رفتارمان ثابت، کسالت‌بار و نابه‌هنگام است.

علی‌رغم افزایش هفت برابری خسارت سرمازدگی بهاره در یک دهه گذشته، هیچ جهشی در جهت یافتن راهکارهای جدید یا تقویت سیستم‌های هشدار و مقابله با سرمازدگی در هیچ کجا مشاهده نمی‌شود. شرکت‌های دانش‌بنیان علی‌رغم وفور منابع و فراورده‌های نفتی و پالایشگاهی به‌دنبال تحقیق و یافتن موادی که واجد ویژگی‌هایی مانند تولید حرارت مناسب در یک زمان مفید با حداقل آلایندگی باشد نیستند و باغداران نیز از سر ناچاری هنوز به‌دنبال تهیه روغن سوخته و گازوئیل می‌گردند. به بیان دیگر، خسارت سرما ۷ برابر شده و تلاش و کوشش ما در مقابله با این پدیده اقلیمی ۱,۱ برابر هم نشده‌است!

اگر قائل به اولویت‌بندی باشیم که باید باشیم، موارد حفاظت و حراست از تولید پسته ایران مسائلی مانند آفات، تغذیه، ماشین آلات ضبط و فراوری و ... در رأس امور نیستند، بلکه آفت تقلیل تولید پسته امروز کشور خسارت سرماست! به این موضوع بپردازیم وگرنه آش همین آش است و کاسه همین کاسه ...

